

پزشکیان و معضل فقدان رسانه



احمد زبیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

یک ضرب‌المثل است که می‌گوید: «از فردی پرسیدند تو بد هستی؟ گفت نه! پرسیدند بدگوداری؟ گفت بسیار! به او گفتند پس از سر تا پنجه پایت بد است!» این ضرب‌المثل عامیانه از مردم دستستانی در گوشه کویر به خوبی از عمق تأثیر تبلیغات در جامعه پرده برمی‌دارد.

واقعیت این است که بدگویی مکرر از یک فرد، چهره‌ای منفی از او در نزد جامعه می‌سازد، حتی اگر آن فرد واقعاً بد نباشد. صورت عکس این گزاره هم صادق است.

تصمیمات و اقدامات هم مشمول قاعدهٔ بالاست به‌خصوص اگر از جانب دولت‌ها و اصحاب قدرت انجام شود. چه‌بسا عمل یا تصمیمی فواید بسیاری برای جامعه در بلندمدت در پی داشته باشد اما به دلیل عوارض کوتاه‌مدت آن، به‌عنوان تصمیمی نادرست و مخرب معرفی شود. صورت معکوس این گزاره هم صحیح است به‌طوری که چه‌بسا اقدامی، اثرات فاجعه‌آمیز بلندمدتی در بر داشته باشد اما به دلیل حلاوت لحظه‌ای و زودگذر آن، به‌عنوان اقدامی درست و مناسب جا انداخته شود. برای جلوگیری از همین پدیدهٔ خطرناک و مخرب است که هم دولت‌ها و هم منتقدان و مخالفان آنها باید از تربیون رسانه‌ل‌آم‌بر‌خوردار باشند، تا اولی از تصمیمات خود دفاع کند و دومی آن تصمیمات را از منظر منافع عمومی به گونهٔ نقد بگذارد تا عموم مردم با تمام جوانب یک تصمیم و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن آشنا شوند و به شناخت عمیق‌تری برای موافقت یا مخالفت با یک تصمیم دست یابند.

واقعیت این است که دولت‌های سیدمحمد خاتمی و شیخ حسن روحانی و حتی دولت دوم محمود احمدی‌نژاد، فاقد رسانه مؤثر بودند تا از عملکرد خود دفاع کنند و همین نکته، نگاه بخشی از افکار عمومی را نسبت به میراث واقعی آنها تیره و تار کرده است.

در دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، صداوسیما جمهوری اسلامی عملاً به جنگ با دولت او بر خاسته بود به‌طوری که نقاط ضعف آن را بسیار بزرگ و نقاط قوت آن را کلاً انکار می‌کرد. با این حال، وجود طیف وسیعی از روزنامه‌ها و مجلات پرتیراژ و پر خواننده و به نسبت آزاد که دل در گرو اصلاحات داشتند، این ضایعه را تا حدودی جبران می‌کرد. مصاحبه‌های مکرر کنشگران اصلاح‌طلب با رادیوهای خارجی در جهت دفاع از عملکرد و تصمیمات دولت خاتمی نیز در مجموع کمک‌کار آن بود و تبلیغات منفی صداوسیما را به مقدار زیادی خنثی می‌کرد.

با «تعطیلی فهای» مطبوعات در فروردین سال ۷۹ دولت آقای خاتمی مهمترین ابزار قدرت خود را از دست داد و از آن پس، حتی به‌رغم همسوس شدن مجلس و شورای شهر تهران با آن، دیگر نتوانست هیچ دستاورد تازه‌ای به کارنامه خود اضافه کند. همین موضوع به واقع سبب شد که عاقبت و آخر جنبش اصلاحات به مجلس هفتم و دولت احمدی‌نژاد ختم شود.

دولت اول آقای احمدی‌نژاد اما مورد عنایت خاص صداوسیما بود.

هر کار اصطلاحاً پوپولیستی توأم با عواقب مخرب که از او سر می‌زد با هلهله و شادی از بسوی آن دستگاه رویه‌رو می‌شد. این ماجرا در دولت دوم او اما تکرار نشد. آقای احمدی‌نژاد در دورهٔ دوم ریاست‌جمهوری خود به هر اندازه که از سیاست‌های دورهٔ اولش فاصله گرفت، به همان اندازه نیز مغضوب دستگاه‌های اطلاع‌رسانی رسمی شد تا آنجا که حلقهٔ یاران نزدیکش هدف قرار گرفتند و او حتی قادر به دفاع از آنها در یک رسانه فراگیر نبود.

دولت دوم شیخ حسن روحانی هم همان بلایی به سرش آمد که به سر دولت آقای خاتمی آمده بود با این تفاوت که در دوران خاتمی صاحب‌نظران داخلی از امکان مصاحبه با رادیوهای خارجی در جهت حمایت از تصمیمات دولت بر‌خوردار بودند، اما در دولت حسن روحانی همین مقدار هم عملاً قداغ بود و با بر‌خوردارهای امنیتی مواجه می‌شد. از این رو، دولت بدون رسانهٔ حسن روحانی در مقابل تهاجم سنگین و روزانهٔ صداوسیما و رسانه‌های همسوی آن بی‌حفاظ و پناه ماند و امکان دفاع از هیچ کدام از تصمیمات خود را پیدا نکرد و به همین علت نیز در نزد افکار عمومی دولتی ورشکسته و به کلی ناکارآمد جلوه داده شد.

صداوسیما به همان اندازه که به خصومت با دولت آقای روحانی برخاسته بود، از در دوستی و محبت با دولت مرحوم سیدابراهیم رئیسی درآمد و به تبلیغ و ترویج کارهای رئیس دولت و اعضای کابینه او به‌عنوان دارندگان کارنامه‌ای از هر جهت عالی و بدون نقص مبادرت کرد. با این حال، در این دوره شبکه‌های تلویزیونی رنگارنگی که در آن سوی آب‌ها به پخش برنامه مشغول شده بودند، برنامه‌ها و تبلیغات خود را در جهت ضدیت با دولت مرحوم رئیسی سازمان دادند و عملاً بیشتر فعالیت‌های صداوسیما در ترسیم چهره‌ای موقف از دولت آن مرحوم را خنثی کردند. اکنون مسعود پزشکیان در حالی قیای ریاست‌جمهوری را به تن کرده است که جز معدود روزنامه‌ها و سایت‌های داخلی کمی‌اثر، هیچ تربیون فراگیری برای دفاع از عملکرد خود ندارد.

برخی از شبکه‌های فارسی‌زبان آن سوی مرزها بدون هیچ دلیل، پیشاپیش تیغ تبلیغاتی خود را علیه او تیز کرده‌اند. آن دسته از شبکه‌های خارجی هم که موظف به رعایت بی‌طرفی و اصول حرفه‌ای هستند به دلایل مختلف از جمله ترس و وحشت از آزار کلامی جمعی از سرنگونی طلبان، عملاً به صف دشمنان دکتر پزشکیان پیوسته‌اند. این در حالی است که صاحب‌نظران داخلی نیز به دلیل هشدارهای امنیتی امکان مصاحبه با هیچ کدام از آن شبکه‌ها را ندارند و همین موضوع یکجانبه شدن کامل برنامه‌های آنها علیه آقای پزشکیان را تشدید کرده است. از طرفی، با مدیریت کنونی سازمان صداوسیما و نوع عملکردش در سه سال گذشته، امیدی به رعایت انصاف در برابر دولت آتی آقای پزشکیان از بسوی آن نمی‌رود و به احتمال زیاد، این دستگاه هم حلقهٔ آتش علیه دولت آینده را تکمیل خواهد کرد. با چنین وضعی روشن است که دولت پزشکیان حتی اگر بهترین تصمیمات را نیز در جهت حفظ و گسترش منافع ملی کشور بگیرد، حجم تبلیغات رسانه‌ای علیه آن، جایی برای داوری منصفانه مردم عادی باقی نخواهد گذاشت! برای رهایی دولت از این وضع، تمهیداتی وجود دارد که بعداً در باره‌اش توضیح داده خواهد شد.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

پیروزی چپ

انتخابات پارلمانی فرانسه با برتری ائتلاف جبهه جدید مردمی به پایان رسید

گروه خبر: انتخابات زودهنگام فرانسه، به پایان رسید و ائتلاف احزاب چپ توانست اکثریت نسبی کرسی‌های پارلمانی فرانسه را به دست بیاورد. براساس گزارش منتشرشده از سوی وزارت کشور فرانسه، ائتلاف چپ‌گرایان بیشترین کرسی‌ها را به دست آورده و راست‌های افراطی در تکرار پیروزی دور اول (۳۰ ژوئن) ناکام ماندند. به گزارش یورونیوز، براساس آخرین نتایج رسمی انتخابات پارلمانی فرانسه در مجموع ۲ دور رای گیری، ائتلاف لحظه آخری موسوم به «جبهه مردمی جدید / NFP» متشکل از چهار حزب اصلی جریان چپ: سوسیالیست‌ها، سبزها، کمونیست‌ها و فرانسه تسلیم‌ناپذیر ۱۸۱ کرسی به دست آورده است. اتحاد حزب حاکم «همه با هم / Ensemble» به رهبری رئیس‌جمهور امانوئل مکران نیز ۱۶۶ نماینده در پارلمان خواهد داشت.

این در حالیست که حزب «اجتماع ملی / RN» به رهبری مارین لوپن، به‌رغم پیروزی در دور نخست، در نهایت تنها ۱۲۳ کرسی را به دست آورد. با این وجود، این ارقام نسبت به انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۲ میلادی که لوپن تنها ۸۹ کرسی داشت، افزایش قابل ملاحظه‌ای دارد. هیچ کدام از این سه بلوک سیاسی نتوانستند اکثریت مطلق را به دست آورند.

آینده سیاست‌های مکران

خبرگزاری آسوشیتدپرس اقدام مکران پیش از برگزاری مرحله انتخابات راه، این‌طور تحلیل کرده است: «آسوشیتدپرس بهترین سناریو برای مکران را وضعیتی می‌داند که در آن هیچ‌یک از احزاب راه‌یافته به پارلمان به اکثریت قاطع نرسد و نخست‌وزیری انتخاب شود که قدرت چندانی ندارد، اما حتی در این صورت هم گرچه چالش‌های بزرگی برای سیاست خارجی و دفاعی مکران ایجاد نمی‌شود، اما بی‌شک نگاه سیاسی فرانسه از نفوذ جهانی به‌تمرکز بر اشفته‌گی‌های داخلی



گزارش دو

بازگشت به صندوق

درباره سید محمد خاتمی و نقشی که در پیروزی پزشکیان ایفا کرد



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

دوران ممنوع‌التصویری
در این سال‌ها انتشار تصویر رئیس‌جمهوری پیشین هم ممنوع بود و اگر چه در اوایل دولت روحانی گشایش‌هایی حاصل شد ولی در مراسم تحلیف او چه در سال ۹۲ و چه ۹۶ از خاتمی دعوت نشد یا امکان حضور او فراهم نیامد.

شگفتا که رسانه‌ها در نشر تصویر نتانیاها منعی نداشتند اما خاتمی ممنوع‌التصویر شده بود و همین میان نسل تازه با او فاصله انداخت. هر چند که در فرهنگ ایران این گونه محدودیت‌ها نوعی اسطوره‌سازی در پی دارد و در نگاهی کلان‌تر به زبان او تمام نشد.

مهم‌تر از همه اینها اما این بود که درست ۴ ماه قبل در ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ سیدمحمد خاتمی برای اولین بار اعلام کرد در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نکرده و این به معنی تغییر راهبرد او بود و تصور می‌شد اگر قرار بر تجدیدنظر باشد این اتفاق در سال ۱۴۰۴ رخ می‌دهد یا به عکس بر او سخت‌تر خواهند گرفت.

هیچ‌کس اما پیش‌بینی نمی‌کرد که سانهٔ سقوط بال‌گرد حامل رئیس‌جمهوری -سیدابراهیم رئیسی- در بعد از ظهر ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ فضای سیاسی را چنان دست‌خوش تغییر کند که یک اصلاح‌طلب اجازه شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری بدهند و خاتمی هم از او حمایت کند و بدین ترتیب طی ۴ ماه داستانی دیگر را شاهد باشیم.

۱۶ اسفند ۱۴۰۲ خاتمی به صراحت اعلام کرده بود: «این بندهٔ کوچک خدا همیشه بر انتخابات و اهمیت آن تاکید داشته است و در راه خیر خواهانه اصلاح وضع نگران کننده کشور را اثر بخش کردن نهاد انتخابات می‌داند. من آنچه را که برای بهبود وضع و در جهت منافع ملت و کشور و حتی حکومت به نظرم می‌آمده است تا کنون گفته‌ام و پیشنهاد کرده‌ام اما متأسفانه به آن اعتنایی نشده است. این بار تصمیم گرفتم که اگر نمی‌توانم کاری برای مردم بکنم همراه هم‌نوا با خیل ناراضیانی باشم که در عمق وجودشان بر این باورند که اگر راه نجاتی باشد راه اصلاح امور است. آگاهانه و صادقانه رأی ندادم تا به هیچ‌کس دروغ نگفته باشم. بدون اینکه با انتخابات معنادار به عنوان منشأ تقویت قدرت و حاکمیت ملت و امنیت ملی و ترمیم اعتماد همگانی، مخالف باشم و بدون اینکه با رأی دادن مردم مخالفت کنم، رأی ندانم را در شرایط نامطلوب کنونی وجه دیگری از رأی دادن در وضعیت حتی نسبتاً مطلوب انتخابات می‌دانم، به این امید که با رأی ندانم در این شرایط اعتماد آسیب‌دیده مردم از حکومت و جریان‌های سیاسی از جمله اصلاح‌طلبی (که دامنه‌اش گسترده‌تر از دایره اصلاح‌طلبان رسمی است) تا حدی ترمیم شود. نیاز حیاتی امروز کشور بازگرداندن سرمایه اجتماعی و حرکت به سوی نوعی مصالحه میان حاکمیت و مردم برای نجات کشور از تهدیدها و بحران‌ها و برداشتن گام‌های جدی برای ورود به وضعی است که در آن ثبات و امنیت پایدار و پیشرفت همه‌جانبه کشور و آزادی و رفاه و بهبودی معیشت همه طبقات مردم و عزت ملی و بین‌المللی ایران عزیز تأمین شود.»

برای آنکه بدانیم نقش آفرینی خاتمی در انتخابات اخیر تا چه حد خشم اصول‌گرایان را دیکال برانگیخته و دو دیدار رئیس‌جمهوری منتخب با او را برنمی‌تابند نوشته روزنامه کیهان که به خاتمی ستیزی شهره است گویاست: «آقای پزشکیان پس از پیروزی در انتخابات گفت: «قدرتان وسعت نظر و گره‌گشای مقام‌معمّر رهبری هستم که در این انتخابات عرصه را برای مشارکت و رقابت و سلامت و نقش آفرینی بیشتر گشودند. اینکه رأی‌ها درست خوانده شد، به لطف مقام‌معمّر رهبری بود. این هدایانی بود که رهبری داشتند، اگر به خاطر ایشان نبود، فکر نکنم اسم ما از این صندوق‌ها بیرون می‌آمد.» در اینکه رهبری، پاسدار رأی مردم و سلامت انتخابات هستند، تردیدی نیست. اما جفا و کم‌طلفی

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری منتخب در یک روز دو بار به دیدار سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری پیشین ایران رفت که هر چند در اخبار ساعت ۱۴ شبکه اول سخنرانی دولت‌های هفتم و هشتم یاد شد اما عنوانی که با آن شناخته است و قامت او را می‌برازد، رهبری جبهه اصلاحات است.

همان جبههٔ سیاسی که پیش از اعلام اسامی تأییدشده برای رقابت ریاست‌جمهوری اعلام کرد «تنها در صورتی در انتخابات شرکت خواهد کرد که یک، دو یا هر سه چهرهٔ نام‌ت نام کرده تأیید شوند و اگر بیش از یک نفر بود بر سر فرد واحد تصمیم خواهند گرفت.»

در آن بیانیه تصریح شده بود از هیچ نامزد دیگری حمایت نخواهند کرد و این به معنی آن بود که حمایت از علی لاریجانی یا نامزدی غیر سه چهره به سبک پشتیبانی از حسن روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ منتفی است. شگفتانه این بود که نام مسعود پزشکیان هم در میان تأییدشدگان بود و اگر چه از دو نامزد دیگر - اسحاق جهانگیری و عباس آخوندی - خبری نبود اما علی لاریجانی را هم برای دومین بار متوالی تأیید نکردند و حالا حجت بر جبههٔ اصلاحات تمام شده بود و باید تمام‌قد وارد صحنه می‌شد و بازی را در دو مرحله برد.

این در حالی بود که کمتر کسی حس می‌زد در مشارکت ۴۰ درصدی هم اصلاح‌طلبان یخنی داشته باشند اما این اتفاق در مرحله اول رخ داد و با جذب بخشی از قهر کرده‌ها و تحریمی‌ها مسعود پزشکیان به پیروزی رسید. نه به این خاطر که او وزیر دولت سیدمحمد خاتمی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ بوده که چون نامزد جبههٔ اصلاحات ایران بود - هر چند هر گونه تعلق حزبی خود را انکار می‌کرد - نگاه‌ها بار دیگر به رئیس‌جمهوری پیشین ایران دوخته شد که با صدایی گرفته و چهره‌ای خسته مردم را به مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری دعوت کرد و نیمهٔ تیر سیاستمدار حالا ۸۱ساله با سیمایی شاداب رأی خود به دکتر پزشکیان را در حسینیة جماران به صندوق انداخت. دیدار رئیس‌جمهوری منتخب با رئیس‌جمهوری پیشین یا رئیس‌سابق خود در وضعیت عادی طبعاً امری عادی است خاصه اینکه از جانب جبههٔ اصلاحات هم حمایت می‌شد اما آنچه به این دیدار رنگ و بوی خاص داده ناشی از اموری دیگر است:

یکی اینکه از ۱۵ سال قبل و در پی انتخابات پرماجرایی سال ۱۳۸۸ میان خاتمی و اندرونی فاصله و گسست افتاد و هر چه کوشید بهبود نیافت در حالی که در سال ۹۰ تک‌رای خود را در دماوند به صندوق انداخت و اگر چه آماج طعن و گاهی لعن هم قرار گرفت اما میوهٔ آن را در سال ۹۲ چید که با حمایت از یک چهرهٔ اعتدال‌گرا صحنه را تغییر داد.

چک سفید خاتمی به روحانی بدون اخذ امتیاز و تغییر مناسبات بعد از خروج ترامپ از برجام و سلسله حوادث سال‌های ۹۶ و ۹۸ و ۱۴۰۱ به زبان سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان تمام شد و خاتمی را به این نتیجه رساند که از اعتبار خود برای ساختاری که احساس می‌کرد از اهداف اولیه دور شده بیش از این هزینه نکند خاصه اینکه پشتیبانی نیم‌بند و مبهم از نامزدی عبدالناصر همتی در انتخابات ۱۴۰۰ نه مانع پروژهٔ خالص‌سازی شد و نه به احیای سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان مدد رساند.

خبر اختصاصی

تشکیل شورای راهبردی گزینش کابینه

گروه خبر: با انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب که دو ماه پیش در قامت نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی حضور داشت، ماموریت سخت تشکیل دولت چهاردهم برعهده این سیاستمدار کهنه‌کار قرار گرفته است؛ ماموریتی دشوار که باید در زمانی اندک تا شهریورماه به نتیجه برسد و هر چه سریع‌تر سکان قوه مجریه را برعهده بگیرد. مسعود پزشکیان که اکنون در ساختمان فرمز نهاد ریاست‌جمهوری مستقر شده باید از میان حلقه نزدیکان و یاران قدیمی خود و احزاب اصلاح‌طلب حامی‌اش در انتخابات ریاست‌جمهوری و چهره‌های برجسته حامی کابینه‌ای را معرفی کند که بتواند از مجلس کنونی با اکثریت اصولگرا رای اعتماد بگیرد و در عین حال واجد ویژگی‌های تخصص‌گرای و شایسته‌سالاری که مدنظر او در رقابت‌های انتخاباتی بوده باشد.

محمدجواد طریف شاخص‌ترین عضو کمپین انتخاباتی مسعود پزشکیان است و با سخنرانی‌های شورانگیز و حضور در استان‌های مختلف پایه‌های خود او نقش غیرقابل‌انکاری در موفقیت کمپین انتخاباتی پزشکیان داشت و اکنون نیز نقش محوری در تشکیل کابینه خواهد داشت. علی ربیعی، عباس عبدی، محمدجواد آذری جهرمی، هادی خانیکی، الیاس حضرتی، علی شکوری‌راد، علی تاجرنیا و جهانبخش خاتنجانی نیز از دیگر اعضای مؤثر این کمپین انتخاباتی بودند. جدا از کابینه‌های که باید به مجلس معرفی شود انتصاب اعضای نهاد ریاست‌جمهوری و مهمترین آنها رئیس‌دفتر و معاون اول رئیس‌جمهور در اختیار خود پزشکیان است. گفته می‌شود علی طیب‌نیا که در روزهای پایانی رقابت‌های انتخاباتی به پزشکیان پیوست، معاون اول احتمالی و فرمانده اقتصادی دولت او خواهد بود و محمدجواد طریف نیز در قامت پست جدیدی با عنوان معاون سیاسی رئیس‌جمهور مسئولیت هدایت تیم سیاست داخلی و خارجی دولت را برعهده خواهد گرفت؛ هر چند او در سخنرانی خود در میان گروهی از اعضای ستاد مسعود پزشکیان گفته است: «من که در دولت نخواهم رفت». محسن حاجی میرزایی، وزیر سابق آموزش و پرورش و دبیر اسبق هیئت‌دولت‌نخستین فردی بود که برای تهیه مقدمات استقرار پزشکیان عازم پاستور شد اما در ادامه از سیدرضا صالحی‌امیری به عنوان گزینه